لیست کلمات پرکننده انگلیسی

با معنی و مثال

آموزشگاه زبان ملل

لیست کامل کلمات پرکننده انگلیسی با معنی و مثال

فیلرهای انگلیسی فقط به Um و Uh محدود نمی‌شوند. عبارت‌های زیادی در مکالمات روزمره وجود دارند که برای فکر کردن، توضیح دادن، تأکید یا تعامل با شنونده استفاده می‌شوند. در ادامه، پرکاربردترین فیلرها را بر اساس کاربردشان دسته‌بندی کرده‌ایم تا بتوانید معنی و نحوه استفاده از هر کدام را همراه با مثال یاد بگیرید.

صداهای مکث و تردید

این دسته از فیلرها بیشتر به شکل صداهای کوتاه در مکالمه ظاهر می‌شوند. زمانی از آن‌ها استفاده می‌کنیم که برای پیدا کردن کلمه مناسب یا ادامه دادن جمله به چند لحظه زمان نیاز داریم. این صداها در مکالمات طبیعی بسیار رایج هستند.

فیلر	مثال انگلیسی	ترجمه فارسی	کاربرد
Um	Um, I don't know what to say.	اِم، نمی‌دانم چه بگویم.	نشان دادن مکث هنگام فکر کردن
Uh	Uh, can you help me?	اِ، می‌توانی کمکم کنی؟	نشان دادن تردید یا تعجب
Er	Er, I think we should leave.	اِم، فکر می‌کنم باید بروی.	مکث هنگام پیدا کردن پاسخ؛ بیشتر در بریتیش
Hmm	Hmm, that's an interesting idea.	هوم، ایده جالبی است.	نشان دادن فکر کردن یا بررسی موضوع
Mmm	Mmm, let me think about it.	هوم، بگذار درباره‌اش فکر کنم.	نشان دادن تأمل یا واکنش مثبت
Ah	Ah, now I understand!	آها، حالا متوجه شدم!	نشان دادن فهمیدن یا به یاد آوردن

فیلرهای فکر کردن و خریدن زمان

گاهی می‌خواهید قبل از پاسخ دادن، کمی فکر کنید یا جمله خود را در ذهن مرتب کنید. در این شرایط می‌توانید از فیلرهایی مثل Well، Let me see و Let's see استفاده کنید. این عبارت‌ها به شما فرصت می‌دهند بدون قطع کردن مکالمه، پاسخ مناسب‌تری آماده کنید.

فیلر	مثال انگلیسی	ترجمه فارسی	کاربرد
Well	Well, I think you're right.	خب، فکر می‌کنم حق با توست.	شروع پاسخ و فرصت گرفتن برای فکر کردن

Let me see	Let me see, I think it's on Monday.	بگذار ببینم، فکر می‌کنم دوشنبه است.	بررسی و به یاد آوردن اطلاعات
Let's see	Let's see, what else do we need?	ببینیم، دیگر به چه چیزی نیاز داریم؟	فکر کردن و بررسی گزینه‌ها
You see	You see, it's not that simple.	می‌دانی، موضوع به این سادگی نیست.	آماده کردن زمینه برای توضیح
I guess	I guess we can try again.	فکر می‌کنم بتوانیم دوباره تلاش کنیم.	بیان نظر همراه با کمی تردید
Let me think	Let me think. Maybe we should wait.	بگذار فکر کنم. شاید بهتر باشد صبر کنیم.	درخواست زمان برای فکر کردن

فیلرهای توضیح و اصلاح حرف

گاهی هنگام صحبت کردن متوجه می‌شوید که جمله شما به اندازه کافی واضح نیست یا می‌خواهید منظور دقیق‌تری را بیان کنید. در چنین شرایطی از فیلرهایی مثل I mean و What I mean is استفاده می‌کنیم. این عبارت‌ها به شما کمک می‌کنند حرف خود را اصلاح کنید یا توضیح بیشتری بدهید.

فیلر	مثال انگلیسی	ترجمه فارسی	کاربرد
I mean	It's difficult. I mean, it takes a lot of time.	سخت است. منظورم این است که زمان زیادی می‌برد.	توضیح دقیق‌تر منظور
What I mean is	What I mean is, we need more practice.	منظورم این است که به تمرین بیشتری نیاز داریم.	روشن کردن منظور اصلی
Actually	Actually, I wanted to ask you something.	راستش، می‌خواستم چیزی از تو بپرسم.	اصلاح یا بیان نکته واقعی
Basically	Basically, we have two choices.	در واقع، دو انتخاب داریم.	خلاصه کردن توضیح
Or rather	He's my friend, or rather, my best friend.	او دوست من است، یا بهتر بگویم، بهترین دوستم است.	اصلاح عبارت قبلی
I should say	It was a good idea — or rather, a great idea.	ایده خوبی است؛ در واقع باید بگویم ایده فوق‌العاده‌ای است.	دقیق‌تر کردن گفته قبلی

فیلرهای درگیر کردن شنونده

این فیلرها به شما کمک می‌کنند توجه مخاطب را حفظ کنید و مطمئن شوید که همچنان همراه مکالمه است. عباراتی مثل You know و Right در گفت‌وگوهای دوستانه و روزمره کاربرد زیادی دارند. البته بهتر است آن‌ها را بیش از حد تکرار نکنید.

فیلر	مثال انگلیسی	ترجمه فارسی	کاربرد
You know	It's hard to explain, you know?	توضیح دادنش سخت است، می‌دانی؟	ایجاد ارتباط با شنونده
Right?	We need to leave early, right?	باید زودتر برویم، درسته؟	گرفتن تأیید مخاطب
You see	You see, I really need your help.	ببین، واقعاً به کمکت نیاز دارم.	جلب توجه و آماده کردن مخاطب
Okay?	Just follow these steps, okay?	فقط این مراحل را دنبال کن، باشه؟	اطمینان از همراهی شنونده
See what I mean?	It's not easy. See what I mean?	آسان نیست. منظورم را می‌فهمی؟	بررسی درک مخاطب
Get it?	It's a simple trick, get it?	یک ترفند ساده است، متوجه شدی؟	بررسی فهم مخاطب؛ غیررسمی

فیلرهای تلطیف و ابراز تردید

گاهی نمی‌خواهید نظر خود را خیلی قطعی یا مستقیم بیان کنید. در این شرایط، فیلرهایی مثل Maybe، Perhaps و Sort of به شما کمک می‌کنند لحن ملایم‌تری داشته باشید. این عبارت‌ها در مکالمات روزمره و بیان نظر شخصی بسیار کاربردی هستند. این عبارت‌ها همیشه فیلر محسوب نمی‌شوند، اما در مکالمه به شما کمک می‌کنند نظرتان را با لحنی ملایم‌تر و غیرقطعی بیان کنید.

فیلر	مثال انگلیسی	ترجمه فارسی	کاربرد
Maybe	Maybe we should try again.	شاید بهتر باشد دوباره امتحان کنیم.	بیان احتمال
Perhaps	Perhaps we can meet tomorrow.	شاید بتوانیم فردا همدیگر را ببینیم.	بیان احتمال با لحنی کمی رسمی‌تر
Sort of	I'm sort of tired today.	امروز یک‌جورهایی خسته‌ام.	تلطیف و غیرقطعی کردن جمله
Kind of	It's kind of difficult.	یک‌کم سخت است.	کاهش شدت نظر

I think	I think we need more time.	فکر می‌کنم به زمان بیشتری نیاز داریم.	بیان نظر شخصی
Probably	I'll probably stay at home.	احتمالاً در خانه می‌مانم.	بیان احتمال

عبارت‌های تأکید و بیان نگرش

این گروه از فیلرها به شما کمک می‌کنند احساس، نظر یا واکنش خود را بهتر منتقل کنید. برای مثال، کلماتی مثل Honestly و Seriously می‌توانند نشان دهند که چقدر به حرف خود اطمینان دارید یا چه احساسی نسبت به موضوع دارید.

فیلر	مثال انگلیسی	ترجمه فارسی	کاربرد
Honestly	Honestly, I don't like this idea.	راستش، از این ایده خوشم نمی‌آید.	بیان صادقانه نظر
To be honest	To be honest, I'm a little worried.	اگر بخواهم صادق باشم، کمی نگرانم.	تأکید بر صداقت
Actually	Actually, I really enjoyed the movie.	در واقع، واقعاً از فیلم لذت بردم.	اصلاح تصور یا بیان نکته
Seriously	Seriously, you need to try this!	جدی می‌گویم، باید این را امتحان کنی!	تأکید بر حرف
Literally	It was literally the best day ever.	واقعاً بهترین روز ممکن بود.	تأکید اغراق‌آمیز در گفتار غیررسمی
I swear	I swear, I didn't know about it.	قسم می‌خورم، از آن خبر نداشتم.	تأکید بر صداقت و اطمینان

عبارت‌های مصاحبه کاری و جلسات

در جلسات کاری و مصاحبه‌های شغلی، گاهی برای شروع پاسخ یا مرتب کردن افکار خود به چند لحظه زمان نیاز دارید. در این موقعیت‌ها بهتر است از عبارت‌هایی استفاده کنید که حرفه‌ای و طبیعی به نظر برسند. فیلرهای زیر برای این شرایط مناسب هستند.

فیلر	مثال انگلیسی	ترجمه فارسی	کاربرد
That's a good question	That's a good question. Let me think.	سؤال خوبی است. اجازه بدهید فکر کنم.	خریدن زمان برای پاسخ

From my perspective	From my perspective, teamwork is essential.	از دیدگاه من، کار تیمی ضروری است.	بیان دیدگاه شخصی
In my experience	In my experience, communication is key.	از تجربه من، ارتباط مؤثر بسیار مهم است.	بیان تجربه شخصی
As far as I know	As far as I know, the project is ready.	تا جایی که می‌دانم، پروژه آماده است.	محدود کردن میزان قطعیت
Let me clarify	Let me clarify my point.	اجازه بدهید منظورم را روشن کنم.	توضیح دقیق‌تر
Well	Well, I believe I have the right skills for this role.	خب، فکر می‌کنم مهارت‌های لازم برای این موقعیت را دارم.	شروع پاسخ با لحنی طبیعی

نکته: همه عبارت‌های این جدول فیلر خالص نیستند. بعضی از آن‌ها عبارت‌های کاربردی برای مدیریت مکالمه و شروع پاسخ هستند؛ اما از نظر عملکرد می‌توانند به شما کمک کنند بدون مکث طولانی صحبت کنید.

عبارت‌های انتقال موضوع و جمع‌بندی در مکالمه

برای اینکه مکالمه از یک موضوع به موضوع دیگر منتقل شود، بهتر است از عبارت‌هایی استفاده کنید که این تغییر را برای شنونده قابل درک کنند. همچنین هنگام تمام کردن صحبت یا خلاصه کردن یک بحث، این فیلرها کاربرد زیادی دارند.

فیلر	مثال انگلیسی	ترجمه فارسی	کاربرد
Anyway	Anyway, let's talk about something else.	به هر حال، درباره چیز دیگری صحبت کنیم.	تغییر موضوع یا بازگشت به بحث اصلی
By the way	By the way, did you call Sarah?	راستی، با سارا تماس گرفتی؟	مطرح کردن موضوع جدید
So	So, what are we going to do now?	خب، حالا قرار است چه کار کنیم؟	شروع موضوع یا نتیجه‌گیری
Moving on	Moving on, let's discuss the next topic.	برویم سراغ موضوع بعدی.	انتقال به موضوع جدید

Long story short	Long story short, we missed the train.	خلاصه بگویم، از قطار جا ماندیم.	خلاصه کردن یک داستان
To sum up	To sum up, we need a better plan.	در مجموع، به برنامه بهتری نیاز داریم.	جمع‌بندی بحث

پاسخ‌های شنونده

فیلرها همیشه توسط فردی که صحبت می‌کند استفاده نمی‌شوند. گاهی شنونده هم برای نشان دادن توجه، تأیید یا واکنش به صحبت‌های طرف مقابل از صداها و کلمات کوتاه استفاده می‌کند. این پاسخ‌ها به حفظ جریان مکالمه کمک می‌کنند و نشان می‌دهند که به صحبت‌های مخاطب گوش می‌دهید.

فیلر	مثال انگلیسی	ترجمه فارسی	کاربرد
Uh-huh	A: I went to Paris. B: Uh-huh!	الف: به پاریس رفتم. ب: آهان!	نشان دادن توجه
Mhm	A: I really enjoyed it. B: Mhm.	الف: واقعاً لذت بردم. ب: هوم.	تأیید و گوش دادن
Yeah	A: It was a great experience. B: Yeah!	الف: تجربه فوق‌العاده‌ای بود. ب: آره!	تأیید صحبت
Right	A: We need more time. B: Right.	الف: به زمان بیشتری نیاز داریم. ب: درسته.	تایید و همراهی
I see	A: I couldn't attend the meeting. B: I see.	الف: نتوانستم در جلسه شرکت کنم. ب: متوجه شدم.	نشان دادن درک موضوع
Oh	A: I got a new job. B: Oh, that's great!	الف: شغل جدیدی پیدا کردم. ب: اوه، عالیه!	نشان دادن واکنش و تعجب

کلمات پرکننده در اسپیکینگ آیلتس

در بخش اسپیکینگ آزمون آیلتس، استفاده محدود و طبیعی از فیلرها مشکلی ندارد. بااین‌حال، بهتر است به جای حفظ کردن عبارت‌های متعدد برای خریدن زمان، روی سازمان‌دهی پاسخ، بیان پیوسته ایده‌ها و کاهش مکث‌های غیرضروری تمرکز کنید.

فیلر یا عبارات کاربردی	مثال انگلیسی	ترجمه فارسی	کاربرد

Well	Well, I prefer studying in the morning.	خب، ترجیح می‌دهم صبح‌ها درس بخوانم.	شروع طبیعی پاسخ
Let me think	Let me think. I would say Paris.	بگذارید فکر کنم. می‌توانم بگویم پاریس.	خریدن زمان
I would say	I would say reading is my favorite hobby.	می‌توانم بگویم مطالعه سرگرمی مورد علاقه من است.	شروع بیان نظر
Actually	Actually, I enjoy spending time outdoors.	در واقع، از گذراندن وقت در فضای باز لذت می‌برم.	اصلاح یا تکمیل پاسخ
For example,	For example, I often go hiking with my friends.	برای مثال، اغلب با دوستانم کوهنوردی می‌کنم.	ارائه مثال
To be honest	To be honest, I don't enjoy crowded places.	راستش، از مکان‌های شلوغ لذت نمی‌برم.	بیان صادقانه نظر

یک نکته کاربردی برای گرفتن نمره بهتر در آیلتس:

به جای اینکه فقط فیلرهای بیشتری حفظ کنید، می‌توانید از یکی از روش‌های ساده برای گسترش پاسخ‌تان استفاده کنید.

1. پاسخ مستقیم: به سؤال پاسخ دهید.
2. توضیح: دلیل پاسخ خود را بیان کنید.
3. مثال: یک نمونه واقعی یا فرضی بیاورید.

برای مثال:

🔷Well, I prefer living in a small city because it's quieter and less crowded. For example, I can easily find peaceful places to relax.

🔶ترجمه: خب، ترجیح می‌دهم در یک شهر کوچک زندگی کنم؛ چون آرام‌تر و خلوت‌تر است. برای مثال، به راحتی می‌توانم مکان‌های آرامی برای استراحت پیدا کنم.

این روش کمک می‌کند به جای تکرار فیلرها، پاسخ‌هایی منظم‌تر و روان‌تر داشته باشید.

دانلود جدول کلمات پرکننده PDF

برای اینکه بتوانید فیلرهای انگلیسی را راحت‌تر مرور کنید، بهتر است یک جدول کامل از معنی و مثال‌های آن‌ها داشته باشید. می‌توانیدPDF آن را ذخیره کنید و هنگام تمرین مکالمه، مرور واژگان یا آمادگی برای آزمون آیلتس از آن کمک بگیرید. پیشنهاد می‌کنیم فیلرها را بر اساس کاربردشان یاد بگیرید.

فیلرهای انگلیسی بریتیش و امریکن

بسیاری از فیلرها در انگلیسی بریتیش و امریکن مشترک هستند؛ اما بعضی از آن‌ها در یکی از این دو رایج‌ترند. برای مثال، Er در انگلیسی بریتیش بیشتر شنیده می‌شود، در حالی که Uh و You know در مکالمات آمریکایی بسیار رایج هستند.

انگلیسی بریتیش	معنی	انگلیسی آمریکن	معنی
Er	اِم، مکث	Uh	اِ، مکث
Right then	خب، پس	Okay, so	خب، پس
Quite	تا حدی / نسبتاً	Pretty	نسبتاً / خیلی
I suppose	گمان می‌کنم	I guess	فکر می‌کنم
Sort of	یک‌جورهایی	Kind of	یک‌جورهایی

مثال در انگلیسی بریتیش:

🔷Er, I suppose we could try again.

🔶اِم، گمان می‌کنم بتوانیم دوباره امتحان کنیم.

مثال در انگلیسی آمریکن:

🔷Uh, I guess we could try again.

🔶اِ، فکر می‌کنم بتوانیم دوباره امتحان کنیم.

البته این تفاوت‌ها مطلق نیستند و انگلیسی‌زبان‌ها در هر دو کشور ممکن است از تمام این عبارت‌ها استفاده کنند.

معادل انگلیسی فیلرهای فارسی

در زبان فارسی هم هنگام صحبت کردن از کلمات و عبارت‌هایی استفاده می‌کنیم که به ما فرصت فکر کردن می‌دهند یا به طبیعی‌تر شدن مکالمه کمک می‌کنند. بسیاری از این عبارت‌ها در انگلیسی هم معادل دارند. البته ترجمه آن‌ها همیشه یکسان نیست و باید با توجه به موقعیت از معادل مناسب استفاده کنید.

- اِم ← Um: زمانی که برای پیدا کردن کلمه مناسب مکث می‌کنید، می‌توانید از Um استفاده کنید.

مثال:

🔷Um, I need a little more time

🔶اِم، به کمی زمان بیشتر نیاز دارم.

- خب ← Well / So: برای شروع پاسخ، بیان نتیجه یا ادامه دادن مکالمه استفاده می‌شوند.

مثال:

🔷Well, I think we should leave

🔶خب، فکر می‌کنم باید برویم.

- یعنی ← I mean: زمانی که می‌خواهید منظور خود را روشن‌تر کنید یا توضیح بیشتری بدهید.

مثال:

🔷 I mean, it's not that difficult.

🔶یعنی، آن‌قدرها هم سخت نیست.

- چیزه ← What's it called? / Thingy: وقتی نام چیزی را فراموش کرده‌اید، می‌توانید از این عبارت‌ها استفاده کنید. Thingy بیشتر در مکالمات غیررسمی کاربرد دارد. به نحوی می‌توانیم بگوییم:

What's it called ? یعنی «اسمش چی بود؟»

Thingy یعنی «اون چیزه» یا «فلان چیز»

مثال:

🔷 Can you pass me that thingy?

🔶 می‌توانی آن چیزه را به من بدهی؟

- می‌دونی / می‌دونی که ← You know: در بعضی موقعیت‌ها برای ایجاد ارتباط با شنونده یا طبیعی‌تر کردن مکالمه استفاده می‌شود.

مثال:

🔷 It's difficult, you know?

🔶 سخته، می‌دونی؟

·راستش ← To be honest: برای بیان صادقانه نظر یا احساس خود به کار می‌رود.

مثال:

🔷 To be honest, I don't agree.

🔶 راستش، موافق نیستم.

·ببین ← Look: برای جلب توجه مخاطب و آماده کردن او برای شنیدن توضیح استفاده می‌شود.

مثال:

🔷 Look, we need to talk.

🔶 ببین، باید صحبت کنیم.

·خلاصه ← Long story short / Anyway: برای خلاصه کردن یک موضوع یا عبور از توضیحات قبلی استفاده می‌شوند.

مثال:

🔷 Long story short, we lost the game.

🔶 خلاصه بگویم، بازی را باختیم.

·مثلاً ← Like: در مکالمات غیررسمی برای آوردن مثال یا تقریباً بیان کردن یک موضوع استفاده می‌شود.

مثال:

🔷 It was, like, the best day of my life.

🔶 انگار بهترین روز زندگی‌ام بود.

·راستی ← By the way: برای مطرح کردن موضوعی جدید یا اضافه کردن نکته‌ای که به بحث اصلی مرتبط نیست، استفاده می‌شود.

مثال:

🔷 By the way, I saw your brother yesterday.

🔶راستی، دیروز برادرت را دیدم.